

ایسکرا

۹۷۲

دبیر کمیته کردستان نسان نودینیان
Tel: 004915778789846
E-mail: nasan.nodinian@gmail.com

سردبیر عبدال گلپریان

۳ بهمن ۱۳۹۷، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۹ تلفن تماس با ما Tel: 004915142486244

توپ تانک مستند دیگر اثر ندارد!

عبدال گلپریان

روز سه شنبه دوم بهمن بازنشستگان در مقابل وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی دست به تجمع اعتراضی زدند و با سر دادن شعار "توپ، تانک، مستند دیگر اثر ندارد" ضمن طرح خواست و مطالباتشان خشم و اعتراض خود را در مقابل مستند سازیهای پوچ و زور در رفته کردستان حکومت و وزارت شکنجه اطلاعات نشان دادند.

بیان بی اثر بودن و نخ نما شدن سناریوی مستند سازی حکومتیان از سوی بازنشستگان معترض در این تجمع اعتراضی حرف میلیونها مردم ناراضی و بستوه آمده از حکومت اسلامی طی چند روز گذشته بوده است.

کاردستان رژیم در اس نظام اسلامی و در دستگاه شکنجه وزارت اطلاعات هنوز دارند به سیاق اوایل بقدرت رسیدنشان دست به ابزاری میبرند که مورد ریشخند مردم عاصی و ناراضی از کل نظام و مافیای اسلامی است.

کارگران و بخشهای مختلف جامعه این را بخوبی میدانند که در مقطع سراسری این حکومت هر گونه "مستند" ساخته و پرداخته دستگاه شکنجه گران اسلامی گویای ورشکستگی تمام و کمال رژیم اسلامی و نشان دهنده اوج در ماندگی و استیصال این حکومت است.

مردم يك جامعه هشتاد میلیونی در ایران با مستند سازی، با زندان و شکنجه و با بکار گیری هر ترفند و طرح آبرو باخته ای از دیماه ۹۶ خیز برداشته اند و به این قناعت و تصمیم قاطع رسیده اند که باید حکومت مافیای اسلامی را انداخت. شعارهای بنیان کن مردم، نظیر، "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا"، دشمن ما همینجاست دروغ میگن آمریاست" و امروز هم "توپ تانک مستند دیگر اثر ندارد"، یعنی پایان دادن به حاکمیت دم و دستگاه مافیای اسلامی که فقط با زور تهدید، زندان و چنگ و دندان نشان دادن سرباهای فلج شده اش ایستاده است.

و اما از آنسو و بر بستر اعتصابات کارگری در هفت تپه و فولاد اهواز و متعاقب آن بازداشت و زندانی کردن فعالین و رهبران کارگری، چه در نماز جمعه ها از سوی امامان مافیای اسلامی و چه در جریان "مستند سازیها" کمونیسم و سوسیالیسم نو بطور علنی و شفاف به معضل اصلی سران و کاردستان نظام اسلامی تبدیل شده است. شیخ کمونیسم و آرمانهای سوسیالیستی و تلاش کل جامعه برای تحقق و دست یابی به جامعه ای آزاد، برابر و مرفه و بازگرداندن حرمت و کرامت انسانی به تمامی شهروندان بر روی زمین سفت و در خیابانها در حرکت است.

۲ بهمن ۱۳۹۷

۲۲ ژانویه ۲۰۱۹

اطلاعیه های کمیته کردستان حزب

از تجمع و اعتراضات کارگران شهرداری مریوان وسیعا حمایت کنید!

صفحه ۲

مرگ ۱۵ کودک آواره سوریه ای در اثر سرما! صفحه ۲

ایسکرا میپرسد: بمناسبت هشت مارس روز جهانی زن

صفحه ۳

عزیزه لطف الهی پاسخ میدهد

کیهان شریعتمداری

ابزار سرکوب و سناریونویسی علیه مردم

صفحه ۳

نسرین رمضانعلی

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان

همراه با اسماعیل بخشی و گام های بعدی

صفحه ۵

مجید حسینی

مفهوم تن فروشی و دفاع از زنان تن فروش!

صفحه ۶

شمی صلواتی

اطلاعیه های حزب

* طرح سوخته وزارت اطلاعات

* بازنشستگان: "توپ تانک مستند دیگر اثر ندارد"

* از اسماعیل بخشی و سپیده قتیان فعالان حمایت کنید!

* کریم سیاحی و طارق خلفی از کارگران فولاد اهواز آزاد شدند

* کارگر فولاد اهواز طی بیانیه ای بر دیگر خواستهای خود تاکید کردند

* نپرداختن دستمزدها جنایت در حق کارگران است

صفحه ۷

لیست کمک مالی به کمیته کردستان حزب

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مرگ ۱۵ کودک آواره سوریه‌ای در اثر سرما!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری در مورد

سوریه، کشوری که در آن انقلابی مردمی و با هدف سرنگونی دیکتاتوری حزب بعث در جریان بود سالها است در آتش جنگ و خشونت گروه‌های تند روی مذهبی و همچنین نیروهای نظامی کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی می سوزد. مردم این کشور سالها است آواره و جنگ زده و قربانی سیستم توحش سرمایه داری و سیاستهای سناریوی سیا‌هی شده اند. دولتهای منطقه‌ای و اروپا دره‌های خود را بر روی آوارگان این کشور بسته اند و در چند سال گذشته صحنه های دلخراشی که توسط میدیاهای کوچک و بزرگ از سختیهای این مردم ثبت شده، گویای این واقعیت است که توحش سرمایه داری جز خلق این آثار و مصیبت‌های دردناک برای انسان مدرن چیز دیگری ندارد و باید هرچه زودتر به این نظام و بربریت حاصل از آن پایان داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری این بربر منشی نیروهای دخیل در به سناریو سیا‌هی کشاندن سوریه و تلف شدن ۱۵ کودک را محکوم میکند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ ژانویه ۲۰۱۹

طبق اخبار منتشر شده توسط سازمان یونیسف، روز سه شنبه ۱۵ ژانویه ۲۰۱۹ پانزده کودک به دلیل سرمازدگی جان خود را از دست داده اند، سیزده تن از آنها سنشان زیر یکسال و سن کوچکترینشان یک ساعت بوده است! فاجعه مرگ در کمپ آوارگان "رکبان" در جنوب شرقی سوریه نزدیک مرز اردن، به دلیل کمبود کمک‌های است که توسط دولت‌ها و ارگانهای وابسته به آنها انجام میشده است.

مرگ ۱۵ کودک آواره فاجعه انسانی و جنایتی بزرگ توسط دولت‌ها است. در جنگ‌های نیابتی آمریکا و روسیه و حضور وحشیانه ماشینهای جنگی اسلام سیاسی از داعش تا حکومت جمهوری اسلامی و اسد و اردن روزانه ده‌ها نفر جان خود را از دست میدهند.

در کمپ آوارگان "رکبان" مردم در شرایط بسیار سختی بسر می برند، خصوصا بعد از ۲۰۱۶ که حکومت اردن مرزهای خود را به سوی آوارگان سوری بست و عملا آوارگان "رکبان" را در شرایط بسیار دشواری قرار داد و کمک‌های ناسچیزی که به آوارگان "رکبان" میرسید، قطع شد!

از تجمع و اعتراضات کارگران شهرداری مریوان وسیعا حمایت کنید!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

مریوان را وادار به عقب نشینی و پرداخت بموقع حقوق و مزایای کارگران و کارکنان شهرداری کرد. تداوم اعتراضات و نمایش سفره های خالی در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق هایتان اقدامی برحق، انقلابی و کارساز است. چاره دستیابی به خواسته‌های کارگران، دریافت بموقع حقوق‌ها و تامین معیشت، تشکل و سازماندهی شورای اعتراضات کارگران شهرداریها است. جوانان و فعالین اجتماعی شهر مریوان!

شما میتوانید نقش و تاثیرات تعیین کننده ای در سازماندهی کارگران شهرداری داشته باشید. حضور شما مهم و تعیین کننده است. میتوانید در جلب حمایت مردم شهر از کارگران شهرداری موثر باشید، همچنانکه حضور فعالین اجتماعی در مبارزات مردم شهر مریوان علیه جاده های نامن موثر واقع شد.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲ بهمن ۱۳۹۷
۲۲ ژانویه ۲۰۱۹

کارگران و مردم مبارز شهرداری مریوان!

کیفرخواست و اعتراضات کارگران و کارمندان شهرداری علیه کاربدستان حکومت باید مورد حمایت و پشتیبانی همگان قرار گیرد و با اعتراضات مداوم حقوق های پرداخت نشده را از حلقوم مفتخوران اسلامی بیرون کشید. کارگران شهرداری مریوان در دی ماه سال ۹۷ بارها دست به تجمع اعتراضی زده و در مقابل شهرداری مریوان تجمع های اعتراضی برپا کرده اند که هر بار با وعده های پوچ، دروغین و تحقیرآمیز به عملی کردن خواسته‌های آنان گردن نهاده اند. ایجاد فضای تحقیرآمیز توسط شهردار ضد کارگر و دیگر کاربدستان مزدور رژیم در شورای شهر مریوان را نباید بی جواب گذاشت. آنان مزدورانی هستند که باید توسط مردم و جوانان شهر مریوان تحت فشار اعتراضات کارگران و مردم حق طلب قرار بگیرند.

باید با ایجاد فضای اعتراضی، شهردار مریوان و دیگر مفتخوران رژیم اسلامی در شورای شهر

کارگران شهرداری مریوان دو روز متوالی، اول و دوم بهمن با برپایی تجمع اعتراضی و نمایش سفره های خالی علیه پرداخت نشدن حقوق هایشان دست به اعتراض زده اند.

برپایه اخبار منتشرشده، کارگران و کارکنان شهرداری مریوان روزهای دوشنبه و سه شنبه اول و دوم بهمن ماه برای دریافت حقوق معوقه خود در محوطه ساختمان شهرداری اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کرده اند. بنا به این خبر، کارگران و کارکنان شهرداری با برخورد توهین آمیز شهردار و اعضای شورای شهر روبرو شده اند.

تجمع های اعتراضی کارگران شهرداری مریوان در چند ماه گذشته علیه پرداخت نکردن حقوقهای معوقه پیگیرانه ادامه داشته است. کارگران و کارکنان شهرداری مریوان با تاخیرهای چند ماهه حقوق و مزایایشان را دریافت میکنند.

روز سه شنبه ۲ بهمن ماه نیز جمعی از کارگران شهرداری مریوان در اعتراض به معوقات مزدی ۶ ماهه خود با پهن کردن سفره خالی در مقابل ساختمان شهرداری این شهر، اقدام به برگزاری تجمع کردند.

کارگران شهرداری مریوان در ۱۱ دی ماه ۹۷ اعلام کرده اند از ابتدای سال فقط ۴ میلیون تومان به هر کارگر داده اند. کارگران شهرداری مریوان می گویند: "زمانی که در تیرماه سال گذشته، شهردار جدید آمد، قرار شد که دستمزدهای کارگران به موقع پرداخت شود اما نه تنها پرداخت دستمزدها مرتب نشد بلکه معوقات سالهای گذشته را نیز با ما تسویه حساب نکردند. به کارگران شهرداری مریوان هنوز عیدی ۹۶ پرداخت نشده".



**دور نیست روزی که جمهوری اسلامی
به قدرت انقلاب و قیام ما مردم بزرگ کشیده شود.
نبرد نهائی در راه است. خود را برای این نبرد آماده کنیم!**

**به حزب کمونیست کارگری
پیوندید! شما هم فعالانه دست در
دست کسانی بگذارید که میخواهند دنیای
بهتری پایه ریزی کنند.**

آدرسهای تماس با حزب:
شماره تماس از طریق واتس آپ و ایمو
00447435562462
تلگرام: <https://t.me/wpisazmaneh>
ایمیل: committee.sazmandeh.wpi@gmail.com

کیهان شریعتمداری ابزار سرکوب و سناریونویسی علیه مردم



نسرین رمضانعلی

کیهان حسین شریعتمداری سناریو مستند "طرحی سوخته" که تهیه دیده بود و این سناریو توسط وزارت اطلاعات اجرا و مدیریت شد دست خود را امروز در مطلبی تحت عنوان "کمونیست‌های آمریکایی چه خوبی برای کارگران مظلوم دیده بودند؟! منتشر کرده است، رو کرد! کلام به کلام این مستند قید شده است تا اینجا هم باید گفت تقریباً همه مردم از این مستند سازی و اهداف شوم و پشت پرده سناریو مطلع هستند.

اما نکته مهم و سناریو دیگر در این نوشته هست. حسین شریعتمداری مصاحبه پدر سپیده قلیان را صد در صد شنیده است! پدر سپیده قلیان از حمله او باش اسلامی و ربودن دو فرزندش در روز روشن سخن گفته است. چنان که یکی از سربازان گمنام امام زمان گفته است باید بیایید خاکستر بچه هایت را ببینید! شنیدن صدای پدر سپیده و مهدی قلیان قلب هر انسانی را بدرد می‌آورد. همچنانکه به گروگان گرفتن سپیده و مهدی ابتدا موجی از حمایت و پشتیبانی و محکومت حکومت هار اسلامی را به همراه داشته است.

بشدت کتک می‌زنند و دست و پا بسته وی را به جعبه عقب یکی از ماشینها می‌اندازند. سپس سپیده قلیان را با ضرب و شتم با خود می‌برند! مادر سپیده قلیان که تلاش میکند بچه هایش را نبرد، مورد نه تنها ضرب شتم قرار گرفت بلکه با وسیله ای تیز گردن وی دچار صدمه و شکافی میشود.

پدر سپیده ادامه میدهد، که پسرش مهدی قلیان را مورد ضرب شتم قرار داده و دست و پا بسته وی را داخل صندوق عقب یکی از ماشینها می‌اندازند.

در این رابطه باز کیهان این روزنامه جعل واقعیت مینویسد، مهدی قلیان برادر سپیده به دو بانو که برای دستگیری سپیده رفته بودند حمله کرده و این بانوان مورد ضرب شتم قرار گرفتند و در این رابطه مهدی قلیان دستگیر شده است.

این سناریو جدید وزارت اطلاعات برای خانواده قلیان است.

اینجا ما و مردم اعلام میکنیم، شما روزنامه نیستی شما اهرم سرکوب و سناریو نویسی علیه مردم، علیه کارگران، علیه نویسندگان و روشنفکران و در یک کلام علیه آزادیخواهی و برابری طلبی هستید!

ما میدانیم که سناریو وزارت اطلاعات همچنان با دروغ و پاپوش دوزی و جعل واقعیت ادامه خواهد داشت و پاسخ ما مردم هم روشن است. این مافیای قدرت را باید بزیر کشید. ۲ بهمن ۹۷



ایسکرا میپرسد: بمناسبت هشت مارس روز جهانی زن عزیزه لطف الهی پاسخ میدهد



ایسکرا: هشت مارس روز جهانی زن در راه است. زنان طی چهار دهه حاکمیت سیاه اسلامی در ایران مدام مورد تعرض از سوی قوانین اسلامی و حامیان این قوانین بوده اند. زنان هم طی این سالها هیچگاه ساکت ننشسته و این تعرضات را با مبارزه ای هر روزه پاسخ داده اند. در شرایط پر تحول ایندوره نقش و جایگاه مبارزه زنان برای دست یابی به حقوق انسانی و برابری طلبانه را چگونه ارزیابی می کنید؟

عزیزه لطف الهی: نزدیک به چهار دهه است که زنان از ابتدایی ترین حق خود محروم بوده اند اما دادخواهی زنان از یک سو و از سوی دیگر تعرضی که حاکمیت و قوانین اسلامی ضد زن علیه زنان بکار گرفته است نه تنها نتوانسته است زنان را برای دست یابی به حقوق برابر و انسانی خود عقب براند بلکه این کیفرخواست قادر شده است که طرحهای ارتجاعی گشتها و اسیدپاشان را یکی پس از دیگری بشکست بکشاند.

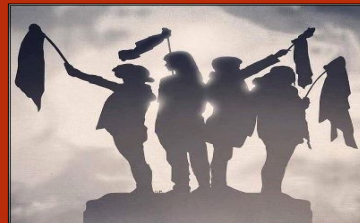
امروزهم یکبار دیگر ابزار وجود علنی و جسورانه زنان علیه حجاب اجباری، علیه کنترل و خشونت دولتی سازمان یافته، و علیه نمادهای برده گی و اتقباد زن در رژیم زنتیز جمهوری اسلامی، محکی برای سنجش تلاش و مبارزه برای دست یابی به حقوق برابر و انسانی است. تاریخ مبارزات ۳۹ ساله زنان و مردان علیه حکومت اسلامی در ایران به روشنی نشان می دهد که چگونه سرنوشت کلیت جامعه به سرنوشت نیمی از جامعه یعنی زنان گره خورده است و چرا آزادی و برابری جامعه با آزادی و برابری زنان سنجیده شده و میتواند متحقق شود.

مقاومت ۳۹ ساله و تعرض زنان علیه حجاب اجباری و دیگر قوانین ارتجاع اسلامی در همه جا از مدرسه، دانشگاه، بیمارستان، کارخانه، و غیره نشان دهنده این است که زنان در عرصه های مختلف مبارزاتی، خصوصاً مبارزه علیه حجاب اجباری نقش مهمی در ضربه زدن به قوانین ارتجاعی و ضد زن رژیم ایفا کرده اند.

حرکت سنت شکنانه و انقلابی دختران خیابان انقلاب یک نقطه عطف تاریخی در مبارزه علیه حجاب اجباری بود و قابل باز پس گیری نیست و بیش از هر چیز گویای مخالفت زنان علیه حجاب اجباری

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

"نه به آپارتاید جنسی"
"نه به رژیم آپارتاید جنسی"



نگاه هفته : مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نویدینیان



طراحی سوخته مستندی از مخوفگاه حکومت اسلامی علیه اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و فعالین کارگری فولاد اهواز، علی نجاتی و کارگران هفت تپه تولیدی از سر استیصال است. مردم درایران تحت حاکمیت حکومت اسلامی ده ها بار ویدئوهای ساخته شده شلاق و شکنجه را تجربه کرده آند. ده ها بار این صحنه های هولکاست حکومت اسلامی را دیده اند اما هر بار مصمم تر و استوارتر در مسیر سرنگونی و اعتراض و مبارزه صدها قدم بجلو آمده اند. حکومت اسلامی باید بداند اعتراف گیری های شکنجه شدگان و دروغگویی و شانتاژهای مزدورانش سوخته و با اولین اعتراض خیابانی به هوا میروند. و آنچه می ماند و عظیمتر و قویتر می شود مبارزه برای سرنگونی است.

اسماعیل بخشی برای ما لیبر اعتراضات هفت تپه است. فراخوانش به تشکیل شورایی معتبر است. رهبر و آژیستاتور توانای کارگران است. او هفت تپه است با هزاران کارگر زن و مرد معترض. بخشی از درون جنبش اعتراض کارگر به نظام سرمایه داری و حاکمیت فاسد جمهوری اسلامی برخاسته است. یاهو گوئی و مفتگویی عناصر اطلاعات و تولیدکننده گان ویدئو های اعترافگیری باید بدانند که این حربه مخوفگاه های اسلامی کارساز نیست .

مبارزه برای سرنگونی ادامه دارد. بخشی و نجاتی و فعالین کارگری سپیده قلیان و ... در قلب ما جای دارند. از آنها حمایت میکنیم.

مساله مهم دیگر نامه ای است که کمپین نجات «هوشمند علی پور» بقلم هه ژار علیپور نوشته شده است. تیتیر نامه (ما هم شکنجه شده ایم)) است که در ادامه کارزاری که هم اکنون علیه شکنجه در جریان است منتشر شده. این نامه دردهای عمیق سرکوب و شکنجه حکومت

باشند که کارگر بیکارترین استان کشورند و همین که کار دارند ساکت شونند. اما! آنها امروز تجمع اعتراضی کردند.

کشته و زخمی شدن ۳ کولبر در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی
شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۹۷ ایوب امینی اهل روستای دشوان از توابع شهر سلماس در ارتفاعات مرزی سلماس بر اثر سرما جان باخت.

دوشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۹۷ عثمان رضانی اهل سردشت هنگام عبور از رودخانه نوکان ، در رودخانه افتاد و غرق شد.
۲۴ دی ماه؛ کولبر دیگری اهل روستای چهارستون از توابع سلماس به نام هاشم بر اثر سرما و کولاک از ناحیه دست دچار سرمازدگی شد و بعد از انتقال به بیمارستان دستانش قطع شد.

نوسود؛ زخمی شدن حمید باباجانی کولبر بر اثر انفجار مین

۲۸ دی ماه ۱۳۹۷ حمید باباجانی ۱۹ ساله بر اثر انفجار مین بجا مانده از جنگ ایران و عراق در منطقه ملدگاه سونی واقع در ارتفاعات شهر نوسود از ناحیه مچ پای چپ به شدت زخمی شده و جهت مداوا به مراکز درمانی کرمانشاه منتقل شده است.

دستگیری های

طی ۳ ماه گذشته بیش از ۱۰۰ نفر فعالین کارگری، وکلای دادگستری، معلمان، دانشجویان و فعالین اجتماعی دستگیر شده اند.

مسعود شمس نژاد وکیل دادگستری بازداشت شد
نیروهای امنیتی حوالی ظهر سهشنبه ۸ ژانویه / ۱۸ دی مسعود شمس نژاد وکیل دادگستری را حین دادگاهی یکی از موکلانش در دادگاه اورمییه بازداشت کرده و به بازداشتگاه اداری اطلاعات اورمییه منتقل کرده اند. نیروهای امنیتی سپس به دفتر وی مراجعه کرده و ضمن تخلیه گاوصندوق دفتر وکالت، مدارک داخل آن را با خود برده و به منزل شخصی وی هجوم برده و منزل ایشان را تفتیش کرده اند.

مسعود شمس نژاد در سال ۱۳۹۲، ۳۷ روز را در بازداشتگاه اداره اطلاعات سپری کرد و سپس با سپردن وثیقه يك ميليارد تومانی از

زندان آزاد شد.

۲۶ دی ماه، نیروهای اطلاعاتی به روستای "نگل" از توابع سنندج یورش بردند و دو فعال محیط زیست به نامهای ادریس محمدی و آوات کریمی را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کرده اند.
۲۷ دی ماه، نیروهای اداره اطلاعات اشونیه عثمان حسنی و حسن موسوی را بازداشت کرده اند.

اعتراض دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه به غذای سلف

۲۹ دی ۹۷ دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه در اعتراض به کیفیت بسیار نامناسب غذای سلف این دانشگاه دست به اعتراض زدند. آنها اعتصاب کرده و غذای دانشگاه را نخوردند و سینی های غذایشان را در محوطه دانشگاه روی زمین قرار دادند. شایان ذکر است که دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه در تاریخ ۷ آبان سال جاری نیز در اعتراض به وضعیت نامناسب غذا در سلف دست به اعتراض زدند.

ما هم شکنجه شده ایم.

میخواهم در مدت سالیان سالی که توسط اداره اطلاعات جمهوری اسلامی شکنجه های متوالی بر هریک از اعضای خانواده ما روا شده نکاتی را برای شما عزیزان بازگو کنم. من (هه ژار علی پور) در یکی از خانواده های مبارز و کمونیست بدنیا آمده ام، زمانیکه دنیا آدمم روستای پدری و مادری ام یعنی بیژوه و تیت در منطقه الان - سردشت محل جمعی از مبارزان کمونیست از سرتاسر ایران بود که بعثت یورش جمهوری اسلامی به کردستان و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در این منطقه اردوگاه هایی بوجود آورده بودند که همزمان با آن به تشکیل حزب کمونیست ایران انجامید.

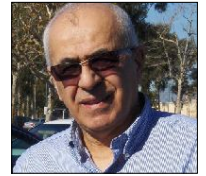
من هم به مثل اکثر جوانهای آن دوران احساسی قوی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی داشتم، نسبت به تبعیضات و نابرابریها، کشتارها و ستمی که این رژیم در حق مردم کردستان و کل مردم در سرتاسر ایران انجام داده بود میزانی از نفرت و انزجار علیه این سیستم دیکتاتور گونه در من بوجود آورد و چون در بین اقوام و دوستان خانوادگی مرتباً این بحث و جمل ها موجود بود و هرروز که می گذشت بیشتر از قبل در من

تاثیر می گذاشت. در طول سالهای گذشته بارها و بارها از طرف مقامات اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی مورد تهدید، شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و تبعیض آمیز قرار گرفته ایم و این فقط بخاطر فعالیت های سیاسی در مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی بوده است.

پدر یعنی مصطفی علی پور بارها مورد بازداشت و تهدیدات جانی از سوی مقامات جمهوری قرار گرفته است. چندین بار به دلیل فعالیت های سیاسی و اتهام همکاری با احزاب چپ و کمونیست بازداشت و به زندان افتاده است. پرونده هایی در دادگاه سردشت و انقلاب مهیاد مینی بر اقدام علیه امنیت ملی و روابط نزدیک با احزاب مخالف رژیم که احکام زندان و چندین بار به پرداخت جریمه های نقدی محکوم شده است برایش باز کرده اند. یکبار من به همراه یکی از برادرانم و پدرم به اداره اطلاعات شهر سردشت توسط شخصی به نام انوری البته شاید اسم مستعار آن مامور هست احضار شدیم و بمدت چندین ساعات از ما جداگانه بازجویی بعمل آوردند. هریک از ما را به اتهامات گوناگونی متهم می کردند، از جمله پخش نشریات کمونیستی و اینکه تبلیغ علیه نظام و ارتباط با خارج و همچنین حزب کمونیست ایران از جمله اتهامات وارده به ما بود. زمانیکه بازجویی از من صورت میگرفت آن شخص بارها و بارها با هتاک و توهین به من وهریک از از اعضای خانواده و حتی رهبران کمونیستی که بخشا در قید حیات نبوده ویا آنان که هنوز در رهبری تشکیلات احزاب کمونیستی درحال مبارزه هستند سعی میکرد هم تنفر و خشم خود را به نمایش بگذارد و هم اینکه با تهدید و اجبار از من

بتواند مدرکی بدست بیاورد و اینگونه با برخوردهای روان گونه آرامش ما را برهم بزند. پدر و برادرم هم هریک جداگانه در اطاق های دیگر و توسط ماموران اطلاعاتی دیگر مورد بازجویی قرار گرفته بودند. قبل از اینکه یادم برود درعین بازجویی وهرچقدر سعی میکرد باخشم رفتار کند من باخونسردی و پوزخند او را هو می کردم و او بیشتر عصبانیتش را به رخ من

همراه با اسماعیل بخشی و گام های بعدی



مجید حسینی

جمهوری اسلامی متوجه این اوضاع و «خطرچپ نو» برای نظام اسلامی شده است. مقامات ریز و درشت رژیم از هر جناح و باندى برای مقابله با کمونیسم کارگری به خط شده اند.

با دستگیری اسماعیل بخشی و جمع دیگری از رهبران کارگری خواستند جلو این خطر را بگیرند. آخرین حربه خود، زندان و شکنجه و اتهام تراشی را برای درهم شکستن مقاومت و شخصیت اسماعیل بخشی بکار گرفتند. همزمان خیل آخوند و عوامل خود را برای پایان دادن به اعتصاب کارگران و ایجاد شکاف در میان آنها از طریق ایجاد شورای اسلامی ضد کارگری به هفت تپه فرستادند. بعد از آزادی اسماعیل بخشی از زندان و فشار رژیم برای خانه نشینی و به سکوت واداشتن او، صف ما کارگران و بخصوص احزاب و فعالین کمونیست در داخل و خارج کشور تا حدی آشفته شد و اینجا از بحث آن میگذریم. اما همه فکر می کردند اسماعیل مانند تمام زندانیان شکنجه شده و موارد قبلی در تاریخ سرتا پا جنایت سازمان اطلاعات، خرد شده و خنثی شده و سکوت خواهد کرد.

نامه ۱۴ دیماه اسماعیل بخشی خطاب به علوی وزیر اطلاعات رژیم و دعوت او به مناظره تلویزیونی در مورد شکنجه خودش در مدت ۲۵ روز بازداشتی، صحنه را عوض کرد. این نامه دستگاه سرکوب رژیم را زیر ضرب گرفت و روند جوش خوردن جنبش طبقه کارگر و عقاید آن به مبارزه سیاسی سراسری مردم و تقابل آنها با زندان و اعدام و ماشین شکنجه و تجاوز را به نتیجه رساند. این دومین تحول مهم سیاسی بی نظیر در این مبارزات است. تبدیل شدن رهبر کارگری به رهبر سیاسی جامعه آن تحول بیسابقه ای در تاریخ ایران است که با این اقدام اسماعیل بخشی بدان دست یافتیم. اما اکنون حفظ و تثبیت این

دستاورد در فضای سیاسی جامعه، چگونگی پیشبرد آن، نقش رهبران کارگری و نقش احزاب کمونیسم کارگری و فعالین کمونیست، نوع رابطه میان این دو، توانائی و محدودیتهای هر کدام در جریان تقابل با جمهوری اسلامی مهم ترین حلقه و گره گاه سیاسی این دوره در جامعه ایران است. در این ماجرا سرنوشت مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز بهر جانی برسد، فعلا اسماعیل بخشی بعنوان یکی از رهبران سیاسی جامعه کل دستگاه شکنجه و اعدام نظام اسلامی را به مصاف طلبیده است.

اسماعیل رهبر کارگری و جنبش مردم برای آزادی و رفاه و برابری است. با این اقدام او دیوارهای بتونی زندانها و زیرزمینی های تاریک آن ترک خورد. از این پس نباید زندان و شکنجه گاه های رژیم بعنوان حریم شکنجه گران برای درهم شکستن جسم و اراده زندانیان باشد. زندان را باید به میدان مقاومت قهرمانانه بیشتر از این زندانیان، و به محل وحشت شکنجه گران از علنی شدن هر نوع شکنجه جسمی و روانی فرد زندانی تبدیل کرد. می توانیم داستان هر زندانی شکنجه شده را علنی کنیم و از آن پرونده سیاسی رو به جامعه و پرونده حقوقی ساخت و زیر بغل وزیر اطلاعات گذاشت. این جنبش راه انداختن شکایت نیست، شکلی از جنبش سیاسی اعتراضی جامعه و طریقه ای برای بسیج نیروی عمومی علیه سیستم آدمکشی جمهوری اسلامی است که کمتر خانواده ای در ایران هست که از آن آسیب ندیده باشد. باید با پیشبرد این کارزار سیاسی ماشین اعدام و شکنجه و رعب رژیم را از کار انداخت. این موقعیتی است که بدستش آورده ایم و دستاورد ماست. این پیشروی حاصل جنبش سرنگونی طلبی ما مردم و کارگران و کمونیستها برای به گور سپردن جمهوری اسلامی است. میادین جای اعدام و شلاق زدن نیست، محل اعتراض ماست.

از این پس خیابان و میادین شهرها نباید جای اعدام و شلاق زدن مردم و محل ایجاد رعب و وحشت در جامعه باشد. با قدرت مبارزاتی خودمان می توانیم همراه زندانیان و در هنگام بر پا کردن بساط اعدام در ملاء عام این دولت آدمکش را به عقب راند. بقول منصور حمکت اعدام قتل عمد دولتی است. ما مردم می توانیم حربه اعدام را جمع کنیم و در این مرحله از اعدام و شلاق زدن در ملاء عام جلوگیری نماییم. باید بساط شلاق زدن مردم، این شکل علنی شکنجه و هتک حرمت را جمع کنیم. مجبورشان کردیم حکم سنگسار و بساط آن را جمع کنند. جمع کردن اعدام و شلاق زدن در ملاء عام کار ماست. کارگران آق دره و هپکو و بسیاری از مردم را وحشیانه شلاق زدند. باید دست مذهب از سیستم قضائی از آموزش و پرورش و دخالت در زندگی مردم را کوتاه کرد. مبارزات امروز ما شکل دهنده آلترناتیو قوانین و شکل حکومتی بعد از جمهوری اسلامی است.

بعد از این اقدام جسورانه اسماعیل بخشی، انتخاب تاکتیک تعرضی متناسب با مبارزات توده ای با بهره گیری از تناسب قوای موجود برای بر چیدن اعدام و شلاق زدن در ملاء عام توسط مردم امکان پذیر است. باید هر مراسم اعدام و شلاق زدن و هتک حرمت مردم با اعتراض یکپارچه ما جواب گیرد. اگر فعلا نمی توانیم زندانها را تسخیر کنیم، قادریم خیابان و میادین را از چنین صحنه های شنیعی پاک نماییم.

اسماعیل بخشی با نامه اش به محمود علوی وزیر اطلاعات و دعوت از او به مناظره تلویزیونی، پرچم مبارزه سیاسی علیه دستگاه اعدام و شکنجه را بدست گرفت. هر اقدام و کمپینی متناسب با این درجه از پیشروی سیاسی و فضای اعتراضی در جامعه بهترین نوع حمایت از اسماعیل بخش و سپیده قلیان است. اقدام اسماعیل بخشی دفاعی نیست و او در ارتباط با جامعه و همه ما

علیه سیستم قتل و شکنجه کیفی خواست داده است. خطر موضع دفاعی و کمپین های نامتناسب با این تعرض سیاسی کارگری و پرداختن به اثبات شکنجه در زندانها ایدا جوابگو نیست. اثبات اینکه بخشی شکنجه شده به لحاظ حقوقی به جانی نمی رسد. مردم می دانند این رژیم شکنجه گر و آدمکش است. مقامات بالای این نظام خودشان می کشند و شکنجه می کنند، خودشان جلسه می گیرند و به جای اسماعیل بخشی و سپیده قلیان صحبت می کنند. اصولگرا و اصلاح طلب به خط شده اند می گویند اسماعیل بخشی و سپیده قلیان شکنجه نشده اند، پس آنها از این دونفر شکایت دارند. روش هر دستگاه جنایتکار و دیکتاتور به همین گونه است. دروغگوئی مقامات نظام اسلامی مرزی ندارد. یکشنبه ۲۵ دیماه فاطمه سعیدی، سخنگوی فراکسیون اصلاح طلبان در مجلس، موسوم به فراکسیون امید، قلمروند «اسماعیل بخشی، در جلسه ای برای رسیدگی به ادعاهایش در مورد شکنجه، به صراحت اعلام کرد که در طول بازداشت مورد ضرب و شتم واقع نشده است.» اسماعیل در نامه دومش نوشت «به مردم دروغ نگوئید» همه دستگاه های دولتی و کاربدستان از هر دو جناح، محمود علوی وزیر اطلاعات، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، حسین شریعتمداری، حشمت الله فلاحت پیشه، محمود واعظی تا رئیس دفتر حسن روحانی بسیج شده اند که بگویند اسماعیل بخشی شکنجه نشده است. اینها در روزهای اول درخواست مناظره اسماعیل بخشی، به ضد و نقیض گویی پرداختند و دستپاچه شدند. اما اکنون همه برای فشار بر اسماعیل و مقابله با بره افتادن حرکت سیاسی اعتراضی در جامعه به خط شده اند. ما هم جبهه خود را متحد تر می کنیم، بسیج عمومی می دهیم و برای دفاع از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و برای برچیدن بساط اعدام و شلاق در ملاء عام خود را بکار خواهیم گرفت.

نگاه هفته: مجموعه اخبار..

از صفحه ۴

میکشید و حتی میگفت "اگر آنقدر قدرت داشتیم، کل روستای شما یعنی بیژوه / اسلام آباد را با خاک یکسانی می کردیم چون همگی شما کمونیست و ضدانقلاب هستید". پدرم هم مثل سابق مورد سوال و جواب قرار گرفته بود و برادرم را بعد از اینکه ما را فرستادند برویم خانه مان در اطاقی دیگر دست و پا و چشم بسته از سقف اطاقی که بازجویی میشد آویزان و تهدید به مرگ کرده بودند و این اتهام را به وی زده بودند که داخل یکی از عروسی های فامیل اسناد و اعلامیه هایی از کومله (حزب کمونیست ایران) را در بین مردم پخش کرده است که کاملاً دروغ و بی اساس بود اما آنها نسبت به خانواده ما و مثل کلیه خانواده هایی که سیاسی و مبارز بودند رفتار میکردند و با اتهامات واهی و پرونده سازی هر کسی را به راحتی محکوم و به زندان می انداختند.

در نتیجه برادرم را از آنجا به زندان و فرادای آتروز که پیگیر وضعیت وی بودیم فهمیدیم که در بازداشتگاه شهر سردشت او را زندانی کرده و متعاقباً پدرم را نیز بازداشت و روانه همان بازداشتگاه مرکزی شهر سردشت و هر دو بمدت ۱۳ روز را در بازداشت تا با قرار وثیقه و پرداخت جریمه نقدی آزاد شدند. در طول این سالها پدرم ممنوع الخروج بوده و حتی برای سفر به کردستان عراق یا ترکیه که من از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ در آنجا پناهنده بودم باید میرفت اداره اطلاعات و مجوز میگرفت.

رفتار و حشیانه ماموران جمهوری اسلامی به کرات ادامه داشت از شنود مکالمات تلفنی و کنترل رفت و آمدها هر بار چندین صفحه از مکالمات تلفنی را در هریازجویی روی میز قرار میدادند و به این صورت رعب و وحشت زیادی را بر بچه ها و هریک از اعضای خانواده وارد کرده بودند. دنبال کوچکترین بهانه و فرصتی بودند تا هریک از بچه ها را به زندان بیاندازند، مادرم بخاطر کلیه این شرایط دشوار دچار بیماری های روحی و عصبی زیادی شده است، بارها به منزل پورشی می آورده اند با مجوز و خودش بدون مجوز و همه جای خانه را بدنبال یافتن مدرکی علیه ما جستجو می کردند و با بی شرمی تمام حتی لباس های دخترها و مادرم را این طرف و آن طرف پرت می کردند. پدر از ناراحتی قلبی رنج می برد و زمانیکه بار دوم پدر را به یکسال حبس محکوم کردند در دادگاه انقلاب مهاباد در داخل زندان هم این رفتار و حشیانه و بخصوص روی این کیس کماکان وجود داشت و با برخورد های روانی و پرخاش و ایجاد سروصدا های عجیب و غریب در داخل زندان بارها سعی در شکنجه های روانی بر پدرم داشته اند. یکبار وی را مجبور به خواندن نماز میکردند یکبار او را مجبور به وضو گرفتن و یا روزه گرفتن میکردند بارها چشم بسته وی را داخل ماشینی میگذاشتند و به خارج شهر می بردند و تهدید به مرگ کرده اند. این رفتار فاشیستی بود که جمهوری اسلامی برهنگی از اعضای خانواده وارد کرده است.

در نتیجه این گونه اعمال زشت و غیر انسانی یکی دیگر از برادرهایم یعنی پیشرو نیز حدوداً ۱۵-۱۶ سال پیش مجبور به ترک ایران شد و به کردستان عراق رفت. او هم فعالیت هایش را در حزب کمونیست ادامه داد و تا آلمان که در این حزب مشغول فعالیت بود مدام فشارها و تهدیدات بیشتر و بیشتر میشد. تا اینکه در جریان چهارشنبه سوری در سال ۱۳۸۸ برادر دیگرمان یعنی هوشمند که در حال حاضر هم در زندان مرکزی شهر سنندج محبوس است در جریان جشن چهارشنبه سوری آن سال و در حین درگیری با نیروهای حفاظتی اداره اطلاعات سردشت با مردم دستگیر و با اتهامات سنگینی مواجه شد و بمدت چهار سال زمانیکه که ۱۶ سال بیشتر سن نداشت به ارومیه منتقل شد و در کانون اصلاح و تربیت تا رسیدن به سن قانونی در آنجا و سپس به بند جوانان الف انتقال داده شد.

در این سالها وضعیت روحی و فضای سرکوب و پلیسی که بر خانواده و بسیاری از خانواده های سیاسی تحمیل شده بود واقعا هریک از ما بیشترین ناراحتی و اذیت و آزارها را از سوی این رژیم کشیده ایم. هوشمند پس از آزادی بازم مرتب از سوی اداره اطلاعات تهدید به همکاری با آنان میشد که در نتیجه بخاطر ترس از برگشت به زندان و نجات جاننش به کردستان عراق رفت و بمدت ۴ سال علیه وحشی ترین گروه تروریستی یعنی داعش در دفاع از مردم کردستان علیه آنان جنگید. چندین بار زخمی شد و امسال یعنی ۱۲

مفهوم تن فروشی و دفاع از زنان تن فروش!

شمی صلواتی

انصاف یا وجدان، رحم یا شعور به معنای وجود / به معنای احساسات انسانی باعث آرامش و آسایش یا امنیت فکری و جسمی ما می شود. سالها پیش يك خبر تلخ وجود را به آتش کشید - ! روزنامه های ایران در مورد قتلهای پی در پی زنانی که بوسیله دستمال خفه می شدند گزارش می کردند خبرها بر سر زبانها افتاد و این اولین باری بود که بحث داغ زنان تن فروش به روزنامه ها راه می یافت ..

اجازه بدهی تا یادم نرفته این رو هم بنویسم که "تن فروشی زنان در مناسبات فرهنگی ما ایرانیان با فرهنگ و صاحب تمدن تابوست" البته شغل های بسیار زشت تر و بدتر از تن فروشی داریم مثل آدمفروشی، مثل خودفروشی، مثل جاسوسی! مثل خیانت به شعور انسانی، مثل جانی بودند یا شکنجه گر شدن، مثل ساواکی، اطلاعاتی، همه اینها حتی لوط و تجاوز به بچه ها! مثل تن فروشی زنان تابو و زشت و ناپسند نیست از آن زمان سالها می گذارد يك روز پراز عذاب، دلتنگ و تنها!

در شوک رفته بودم، شوک از يك فاجعه انسانی، و منناراضی و معترضم، آرام و قرار نداشتم، دوست داشتم فریاد بزنم که اینها هم انسانند، احساس دارند، از درد فقر و مجبورتی زندگی تن به این شغل دادند اینها آدم فروش نیستند لقمه نانسان را از دهان دیگران نمی قابند. چون جانین و آدمکشان حق آنها را خورده اند چون مثل دیگران نمی خواهند آدم فروش باشند، جاسوس

مرداد ۱۳۹۷ هم برای انجام فعالیت سیاسی و روشننگری بین مردم به داخل ایران رفته بود که سرانجام شناسایی و هدف گلوله نیروهای جمهوری اسلامی قرار که دوست همراش یعنی محمد استاد قادر زخمی و هوشمند هم دستگیر میشود. تا به امروز کماکان در

باشند، نمی خواهند که تن به حشرات بدند و برای لقمه نانی بسیجی بشوند و جنایات را تأیید یا مترسک باشند به همین دلایل ساده مقاله ای در دفاع از زنان تن فروش با تمام احساس نوشتم آنها را رفیق خطاب کردم از مشکلات شان، از شغل پر از خطر و آینده تارشان با چشمان پر از اشک نوشتم در کمال همدردی و با نهایت صمیمیت با آنها حرف زدم! متأسفانه دنبال مقاله مورد اشاره گشتم ولی آن را نیافتم

در آن زمان دو سایت انترنتی به نام روزنه و دیدگاه وجود داشت که باید با پست الکترونیکی برایشان می فرستادم خوشبختانه روزنه آن را نشر کرد البته روزنه متعلق به حزب کمونیست کارگری و با سر دبیری رفیق فاتح بهرامی فعالیت می کرد اما دیدگاه وابسته بود به سازمان مجاهدین خلق و سر دبیر آن، آقای بود به نام علی که متأسفانه لقب فامیلیش در ذهنم نیست. ایشان از نشر آن خودداری کرد

بعد از نشر مقاله باتیتر "ماهم انسانیم" آرامش به ذهن پر آشوبم باز گشت. دو شب بعد از نشر مقاله! که بر اثر يك خواب وحشت زده بیدار شدم حدوداً ساعت های سه شب شب بود جاتون خالی، چای درست کردم و سری به تراز خونه کشید تا سیگاری را دم بگیرم / این شعر را در آن لحظه نوشتم. شعری که تو را یا شما را در آن صدا زدم تا با هم برای ایجاد تغییر راه بیافتیم .

"بغض ها ترکید! اشک سخن گفت

بازداشت داده اطلاعات شهر سنندج و در انتظار محاکمه اش هست. این تراژدی هست که فکر کنم بیشتر خانواده های سیاسی فعالین کارگری و غیره در حاکمیت جمهوری اسلامی با آن دست و پنجه نرم می کنند و تنها و تنها بخاطر اینکه



و صورتم به انتظار باران نشت،

به صدها جرم سنگین به بیدادگاه رفتم

يك بار به جرم گرفتگی زبان محکوم و زبانم را قطع کردند

و يك بار به جرم ساده نویسی انگشتانم را

گرچه،

زبان آنقدرها رسا نبود قلم آنقدرها پر رنگ نبود

اما وجودم فریاد بود بانگی رسا، رساترین صدا!

که همه ما « برابرم و باید برابر باشیم»

منی که خود در میان طبقم و در جنگ با رنجها به استادی رسیدیم

هنوز دز جنگم! [در جنگم، جنگ،

جنگی برای رهایی! برای بازگشت: حرمت و ارزش انسان

اگر قلم پر رنگ نیست چون بدون انگشت، قلم را به دهن

گرفتم اگر صدام لرزان و با هیجان است

چون در جنگم و ترس بر دل دارم بشنو صدایم را!

اگر ضعفا رسا نیست بشنو صدایم را!

و با من بیا تا ما شویم

در این دنیای بدور از احساس و عواطف انسانی

يك صدا، صدا نیست، يك دست، قدرت نیست

تا دیر نشد / با من بیا!

خواهان يك زندگی بهتر، فارغ از تبعیض و بیعدالتی و بیحقوقی هستیم با آن رویه روهستیم.

به امید يك دنیای بدون سرکوب و شکنجه و کشتار

هه ژار علی پور ۲۰ ژانویه ۲۰۱۹

اطلاعیه های حزب

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد طرح سوخته وزارت اطلاعات

جمهوری اسلامی با پخش برنامه "طراحی سوخته" در روز شنبه ۲۹ دی از صدا و سیما با حرکت اعتراضی که بعد از اعتصاب هفت تپه و افشاکاری اسماعیل بخشی از شکنجه در زندان براه افتاده است، به مقابله پرداخت. در این برنامه با پخش قسمتهائی از "اعترافات" رهبران جنبش کارگری به رابطه با کمونیستها و متحد و متشکل کردن مبارزات کارگری، تلاش میکنند تا جنبش عظیمی که بویژه در یکساله اخیر کل حکومت و نظام سراپا فاسد حاکم را بجالش کشیده است را تخطئه کنند و آنرا بحساب توطئه های آمریکا و تحریم اقتصادی بگذارند. مردم مدتهاست با "شعار دشمن ما همینجاست دروغ میگن آمریکاست" جواب این نوع تبلیغات پوچ و رسوای حکومتی ها را داده اند. مردم بخوبی میدانند که عامل فقر و گرانی و سرکوب و "فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی" که در جامعه بیداد میکند نظام و حکومت تا مغز استخوان فاسد جمهوری اسلامی است. حکومتی که تحت فشار شکنجه مصاحبه تلویزیونی میگیرد و ارتباط رهبران کارگری و دیگر بازداشت شدگان هفت تپه با سازمانهای کمونیست و تلاش آنان برای متحد و متشکل کردن اعتصابات کارگری را جرم قلمداد میکند تنها استیصال و درماندگی خود را به نمایش میگذارد.

سپیده قلیان در مورد برنامه طراحی سوخته نوشت "من و اسماعیل بخشی که سهل است، پنج هزار کارگر هفت تپه را هم جلوی دوربین بنشانید و از آنها به زور کابل و باتوم اعتراف اجباری بگیرید باز هم از اصل داستان این که شما ستمگر و فاسدهستید کم نخواهد کرد." این پاسخ همه کارگران و مردم مبارز ایران به تقلاهای تبلیغاتی وزارت اطلاعات است.

سپیده قلیان همچنین اعلام کرده است: "این تصاویری که از من پخش شد گواه دیگری در اثبات حرفهای مبنی بر شکنجه شدن در طول مدت بازداشت بود. جدیت از قبل به پیگیری شکنجه شدنم خواهم پرداخت و حالا که اعترافاتم پخش شد خواهان علنی برگزار شدن دادگام هستم."

سپیده قلیان را مجددا دستگیر کرده اند اما جرات نخواهند کرد دادگاه او را علنی برگزار کنند چون بخوبی میدانند به دادگاهی علیه جانین حاکم تبدیل خواهد شد. چون میدانند کیفرخواست سپیده قلیان و اسماعیل بخشی علیه دستگاه سرکوب و شکنجه حاکم حرف دل همه مردم ایران است. این کیفرخواست امروز به جنبش اعتراضی فراگیری تبدیل شده است که تا به محاکمه کشیدن جانین حاکم از پا نخواهد نشست.

جنبش جاری علیه فقر و گرانی و سرکوب و بی حقوقی که با شعار جمهوری اسلامی نمی خواهیم و اصلاح طلب اصولگرا دیگه تموم ماجرا" در بیش از نود شهر آغاز شد بزیر کشیدن جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است. در این میان طرحهای سوخته تبلیغی حکومت تنها موجب تضعیف و رسوائی بیشتر رژیم و تعرض بیشتر مردم خواهد شد. مردم ماهیت ضد انسانی جمهوری اسلامی را

بخوبی میشناسند و این نوع تبلیغات را تقلایی مضحک و از سر استیصال میبینند. اعتراضات حق طلبانه و رو به گسترش کارگران میروند تا کل نظام شکنجه و جنایت و چپاول جمهوری اسلامی را در هم پیچد. حزب ما تمام توان خود را بکار میگیرد تا این جنبش عظیم با قدرت به پیش برود و به پیروزی برسد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ دیماه ۱۳۹۷

بازنشستگان:
"توپ تانک مستند دیگر اثر ندارد"

از ساعت ده صبح روز دوم بهمن ماه جمعیتی بزرگ از معلمان شاغل و بازنشستگان برای پیگیری خواستههایشان در مقابل وزارت کار تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی که به فراخوان بازنشستگان برپا شده بود، تجمع کنندگان با شعارهایی چون "توپ، تانک، مستند، دیگر اثر ندارد"، "شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد" به "مستند" رسوای صدا و سیمای جمهوری اسلامی عکس العمل نشان دادند و با شعار "معلم زندانی، آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد بر آزادی همه معلمان زندانی و زندانیان سیاسی تاکید کردند. شعارهای دیگر بازنشستگان عبارت بودند از: "تورم گرانی جواب بده روحانی"، "تورم، گرانی، بلائی جان مردم"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "اختلاسها کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "فریاد فریاد از اینهمه بیداد"، "از وعده ها خسته ایم، ما همه همبسته ایم". در این روز بازنشستگان همچنین با شعار "صدا و سیمای ما، ننگ ما، ننگ ما" اعتراض خود را علیه سانسور و توطئه گری و بازتاب نیافتن اعتراضات در رسانه های دولتی اعلام داشتند.

در تجمع این روز بازنشستگان همچنین دست نوشته هایی داشتند که بر روی آنها نروس خواستها و اعتراضاتشان نقش بسته بود. از جمله بنرهایی با مضامین زیر توجه ها را به خود جلب میکرد: "دانشجو، کارگر، بازنشسته، اتحاد، اتحاد"، "رفاه عمومی حق مسلم ماست"، "نان، کار، آزادی"، "رسانه، تجمع، تشکل، حق مسلم ماست"، "جای معلم زندان نیست"، "افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۶ میلیونی"، "تحصیل رایگان حق همه کودکان است"، "بیمه کارآمد، درمان رایگان است".

در محل تجمع امروز بازنشستگان نیروی انتظامی بسیاری مستقر شده بود و از تجمع کنندگان عکس میگرفتند. اما بازنشستگان بدون توجه به این تلاشها به تجمع اعتراضی خود ادامه دادند. بدین ترتیب امروز نیز بازنشستگان با فریادها و شعارهایشان و با اعلام خواستههایشان، بار دیگر اعتراض کل جامعه را نمایندگی کردند. حزب کمونیست کارگری بر حمایت وسیع همه مردم از خواستها و مبارزات بازنشستگان تاکید دارد. بازنشستگان به حقوقهای زیر خط فقر، به نبود امکانات و تامین اجتماعی، به هزینه سنگین درمان و کلا به زندگی زیر خط فقر شدیداً اعتراض دارند. این خواستها و اعتراضات شایسته بیشترین حمایتهاست.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲ بهمن ۱۳۹۷، ۲۲ ژانویه ۲۰۱۹

بیانیه حزب کمونیست کارگری:
از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان
فعالان حمایت کنید!

کارگران! مردم آزاده!

جمهوری اسلامی بار دیگر اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه را به همراه سپیده قلیان از بازداشتی های هفت تپه دستگیر کرده است. فیلم مضحک و نخ نمای "طراحی سوخته" توسط صدا و سیما منفور رژیم در واقع اعتراف حکومت اسلامی به این بود که چقدر حاکمین از حمایتهای گسترده از اسماعیل بخشی و فضای سوسیالیستی در میان کارگران خود را زیر فشار می بینند. چقدر صفوفشان به هم ریخته است و خود را در محاصره مردم معترض وحشت زده می بینند. اعتراض اسماعیل بخشی به شکنجه شدن در زندان موج وسیعی از خشم و اعتراض را نسبت به حکومت زندان و شکنجه برانگیخت و اسماعیل بخشی را بیش از پیش در قلب کارگران و مردم جای داد و جمهوری اسلامی را بیش از پیش بعنوان يك حکومت منفور رسوا و بی آبرو کرد.

زیر فشار موج خرد کننده خشم و نفرت از این حکومت است که امروز باردیگر جمهوری اسلامی با دستپاچگی پاترولهای مسلحش را سراغ اسماعیل بخشی میفرستد تا او را دوباره راهی شکنجه گاه کند.

جمهوری اسلامی در برابر کارگران و مردم شمشیر را از رو بسته است. به اعتراض اسماعیل بخشی و سپیده قلیان به شکنجه، با دستگیری مجدد آنها پاسخ میدهد و میخواهد آنها را ناچار به سکوت کند. همه ما کارگران و مردم باید نشان دهیم که اسماعیل بخشی یکی نیست. همه ما اسماعیل بخشی هستیم. صدای او هستیم. سخن او را پرتواک میدهیم. شعار اداره شورایی، نان، و آزادی و سوسیالیسم را فریاد میزنیم. اعتراض به دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را ده چندان کنیم. در محیطهای کار، در کوچه و خیابان، در رسانه های اجتماعی و در همه جا نفرت خود را بیش از پیش نثار این ماشین نفرت انگیز زندان و شکنجه چپاول و جنایت نماییم و از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان دفاع کنیم.

صدای خرد شدن استخوانهای ارتجاع اسلامی حاکم به گوش میرسد. این هیبت متعفن ضد انسانی، این ماشین جنایت و چپاول و بیرحمی، این باند دزدان مافیائی، این سیستم ضد انسانی سرمایه داری که در آن نان شب کارگر را هم میدزدند و کارگر معترض را به زندان و شکنجه محکوم میکنند در جامعه ایران جایی ندارد و باید هرچه زودتر با انقلاب ما کارگران و مردم در هم کوبیده شود و به زیاله دان پرتاب شود.

اسماعیل بخشی گناهای اینست که صدای حق خواهی کارگران را در برابر سرمایه داران مفتخور بلند کرده است و کوس رسوایی همه جناحهای حکومت را به صدا در آورده است. بدون تردید با دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان جمهوری اسلامی نه فقط نمیتواند صدای اعتراض رادیکال کارگران را خاموش کند بلکه ما کارگران و مردم میتوانیم این تعرض را با موجی از سرنگونی طلبی و حق خواهی و اعتراض سوسیالیستی پاسخ دهیم.

زنده باد اسماعیل بخشی!
پیش بسوی اعتصابات سراسری!
پیش بسوی ایجاد شوراها!
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ بهمن ۱۳۹۷، ۲۱ ژانویه ۲۰۱۹

پیش به سوی ایجاد شوراها کارگری

از صفحه ۹ اطلاعیه های حزب

کریم سیاحی و طارق خلفی از کارگران فولاد اهواز آزاد شدند کارگران فولاد اهواز طی بیانیه ای بر دیگر خواسته های خود تاکید کردند

بنا بر خبر منتشر شده از سوی کارگران فولاد اهواز امروز بیست و نهم دیماه کریم سیاحی و طارق خلفی دو کارگر باقیمانده در بازداشت از شمار کارگرانی که در جریان اعتراضات قدرتمند این کارگران دستگیر شده بودند، بعد از ۳۴ روز حبس در قبال وثیقه ۲۵۰ میلیونی و در میان استقبال گرم خانواده و جمعیهایی از همکارانشان آزاد شدند. آزادی کریم سیاحی و طارق خلفی را به آنها و به همه کارگران فولاد اهواز و خانواده هایشان و به همگان تبریک میگویم. آزادی این کارگران نتیجه پیگیری های مداوم خانواده ها و کارگران فولاد و یک همستگی وسیع مردمی از سوی مردم شهر اهواز، کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و بخش های مختلف جامعه است.

این موفقیت همچنین نتیجه یک کارزار قدرتمند برای آزادی کارگران بازداشتی و حمایت های وسیع اجتماعی در سطح ایران و بین المللی بود. کارگران گروه ملی فولاد اهواز ضمن اعلام خبر آزادی کریم سیاحی و طارق خلفی قدردانی خود را از این موج همستگی مردمی و بین المللی اعلام کرده اند. آزادی کارگران بازداشتی فولاد اهواز در قبال وثیقه، یک زورگویی آشکار و نوعی اخاذی و به معنای باز ماندن پرونده امنیتی آنهاست. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران گروه ملی فولاد اهواز باید فوراً بسته شود. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در بیانیه خبری خود در رابطه با آزادی کریم سیاحی و طارق خلفی بر موفقیت ها و دستاوردهای مبارزاتی شان تاکید کرده اند و در بخشی از آن چنین آمده است: "با اینحال اعمال سیاستهای فشار، تهدید و ارباب هرگز مانع از حق طلبی کارگر گروه ملی صنعتی فولاد نگردید و در هر بحرانی که برایمان ایجاد شد این ما کارگران بودیم که در نهایت با پیروزی و سربلندی از آن خارج شدیم. در این رهگذر هراندازه که قدرتمندانه دستاوردی کسب کردیم به همان اندازه از توان و قدرت چپاولگران سفره کارگر کاستیم و در برخی موارد حتی شکست کامل غارتگران را شاهد بودیم". در بخش پایانی این بیانیه با تاکید بر حفظ اتحاد و همبستگی برای پیگیری خواسته های کارگران چنین آمده است "اکنون که همه همکاران ما از اسارت رهایی یافته اند اعلام میداریم:

- باید پرونده های امنیتی تشکیل شده علیه کارگران به سرعت بسته شوند.

- میبایست به پیگرد و احضار کارگران به نهادهای امنیتی و قضایی خاتمه داده شود.

- باید از ادامه ایجاد فضای امنیتی در محیط شرکت خودداری شود.

- تأمین مواد اولیه و تولید کارخانجات باید بی وقفه تداوم داشته باشد.

- پرداخت بوقع و همراه حقوق و دستمزد میبایست تضمین گردد.

- ما داشتن یک تشکل صنفی و شورایی مستقل و همچنین برپایی منظم و مستمر جلسات مجمع عمومی را حق

خود دانسته و ضمانت اجرای آن را خواستاریم.
همکاران عزیز و گرامی!

امروز اگر شاهد فعالیت برخی خطوط تولید هستیم؛ امروز اگر اندک مواد اولیه ای تأمین گشته است؛ امروز اگر حقوقی پرداخت شده؛ اگر امروز روزه امیدی به آینده و ادامه حیات و بقاء شرکت گشوده شده است تنها و تنها در گرو ایستادگی، اتحاد یکپارچگی و همصدایی تک تک ما کارگران بوده و هیچ فرد و نهاد و دستگاهی نمیتواند ذره ای از این دستاوردها را مصادره بمطلوب نماید. ما اکنون در حال کسب نتیجه از مبارزه و حضور قدرتمندانه و مستمر خود در اعتراضات هستیم و بیش از هر زمان دیگری قدرت با هم بودن و استقامت را باور کرده ایم. مبارزه ما پایان نیافته است اکنون ما آبدیده تر و آگاه تر از قبل هستیم و میدانیم که هنوز بدخواهان و فرصت طلبان مترصد فرصتی هستند تا اهداف و نیات سودجویانه خود را عملی سازند. گروه ملی صنعتی فولاد ایران متعلق به ما و فرزندان و نسل بعد از ماست. هوشیارانه و آگاهانه؛ با چشمانی باز از همه آنچه که داریم مراقبت و حفاظت خواهیم کرد و پیگیر مطالبات خود خواهیم بود."

حزب کمونیست کارگری آزادی تمامی بازداشت شدگان فولاد اهواز را به عنوان یک موفقیت مهم به این کارگران و به همگان تبریک میگوید و بر خواسته های اعلام شده از سوی کارگران گروه ملی فولاد اهواز در بیانیه شان تاکید دارد. تحقق این خواسته بدون شک یک پیشروی بزرگ برای این کارگران و کل جنبش کارگری است و ادامه همبستگی ها با کارگران گروه فولاد اهواز برای تثبیت این پیشروی ها یک ضروری فوری است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراهای کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ دیماه ۱۳۹۷، ۱۹ ژانویه ۲۰۱۹

نپرداختن دستمزدها جنایت در حق کارگران است

نپرداختن دستمزد زیر خط فقر کارگران برای مدت های طولانی سالهاست به جزئی از سیستم سرمایه داری ایران تبدیل شده و حکومت اسلامی نیز نه فقط از کارفرمایان دزد و مفتخور در برابر کارگران حمایت میکند بلکه خود جزئی از همین سیستم چپاول و دزدی آشکار است و در موسسات دولتی نیز حقوق و دستمزد کارگران برای ماهها پرداخت نمیشود. این یک جنایت آشکار در حق کارگران و خانواده های کارگری است که نان شبشان را باید با اعتراض و مبارزه از چنگ دزدان حریص حاکم بیرون بکشند. چند خبر از اعتراضات کارگران را اینجا ملاحظه میکنید:

- صبح روز سی دیماه جمعی از کارگران شهرداری لوشان که در بخش های مختلف از جمله فضای سبز و خدمات مشغول به کار هستند، در اعتراض به عدم پرداخت هفت ماه دستمزد و حق بیمه خود دست به اعتصاب و تجمع زدند. به گفته کارگران آنها همواره با معضل عدم پرداخت دستمزدشان روبرو هستند و هر چند ماه یکبار با برگزاری یک تجمع میتوانند یک ماه از مزدشان را بگیرند.

- روز ۲۹ دیماه جمعی از کارگران قطار شهری اهواز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی ۱۸ ماهه خود، برای چندمین بار در مقابل ساختمان قطار شهری اهواز، اقدام به برگزاری تجمع کردند.

- روز ۲۷ دی کارگران قطار شهری کرمانشاه در اعتراض به

عدم پرداخت ۷ ماه حقوق معوقه در محل کار خود دست به تجمع زدند.

- روز ۲۹ دی جمعی از کارگران شهرداری بروجرد در اعتراض به عدم دریافت ۹ ماه حقوق و مطالبات خود در مقابل شهرداری دست به تجمع زدند.

- روز ۲۷ دی کارگران پتروشیمی سایت ۲ عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه برای سومین روز دست به تجمع زدند. این در حالیست که سایر کارگران صنایع عسلویه از جمله کارگران شرکت مهندسی (رامپکو) نیز با همین مساله روبرو هستند و در اعتراض بسر میبرند. نپرداختن بموقع دستمزدها و بالا کشیدن آن یک معضل دائمی کارگران در این منطقه ویژه اقتصادی است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراهای
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ دیماه ۱۳۹۷، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۹

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

حکومت اسلامی آشکارا مداخله است و در بحران لاعلاج دست و پا میندازد. نوان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم.

یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند.

اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتوانند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پرشور را در این شوراها جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مبدای اجتماعی حلقه تماسی خود یا مردم شهر را کسرتش دهند.

زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

لیست کمک مالی به کمیته کردستان حزب

سیما بهاری	۲۰۰ یورو
گیتی اغاجانی	۵۰ یورو
غلام اکبری	۵۰ یورو
ایرج آبشار	۵۰۰ دلار کانادا
مجید آذری	۲۱۰ دلار
آقای حمیدی	۲۱۰ دلار
داود آرام	۱۰۰ دلار کانادا
صادق احمدی	۵۰ دلار
علا فرهاد پور	۵۰ دلار
ستار نوری زاد	۵۰ دلار
محمد کاظمی	۵۰ دلار کانادا
جلیل جلیلی	۱۰۰ پوند

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!